

## جایگاه محرم ۵۷ در انقلاب اسلامی

۱۴ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۲۱:۵۴

دزموند هارنی در کتاب خود با عنوان روحانی و شاه پیرامون محرم ۵۷ و تأثیر آن بر اعتراضات مردمی آورده است «بحران شدیدتر می‌شود. داستان‌های بی‌شماری رد و بدل می‌شود. خانه راننده من در یکی از پرآشوب‌ترین محلات قرار دارد. در ساعت ۱۵:۱۰ شب (شب آغاز ماه محرم - ۱۱ آذر ماه ۱۳۵۷) مردم به بالای پشت بام‌ها آمدند و فریادهای دسته جمعی الله اکبر آغاز شد. هیاهوی بزرگی به پاخواست. باقی جوانان در خیابان‌ها می‌دویدند و فریاد می‌زدند: مرگ بر شاه، نیروهای نظامی به تظاهرکنندگان و خانه‌ها شلیک کردند. تیراندازی با شدت و ضعف تا ساعت سه و نیم صبح ادامه داشت.»

استفاده از مناسبت‌های مذهبی و برپایی تظاهرات سیاسی علیه شاه، یکی از روش‌های مبارزاتی مردم در دهه ۵۰ بود. اوج این شکل از مبارزه در سال ۵۷ و در ایام محرم اتفاق افتاد و بر عمق مبارزات مردم غنا بخشید. اهمیت ایام محرم برای شاه و دستگاه سیاسی حاکمه به اندازه‌ای مهم بود که بسیاری از نهادهای مداخله‌گر داخلی و خارجی پیشنهاد کردند اگر قرار است شاه اقدام جدی در قبال تحولات سیاسی کشور اتخاذ نماید، چند روز پیش از آغاز محرم آن را عملی کند. اهمیت ایام محرم به دلیل تشکیل دستجات عزاداری و استفاده سیاسی از آن علیه حاکمیت بود.

### ایام محرم و مبارزات سیاسی

ایام محرم که ایام سوگواری مسلمان برای امام سوم شیعیان می‌باشد از اهمیت زیادی نزد مردم برخوردار است. علت این اهمیت ناشی از شکل‌گیری دستجات عزاداری و ماهیت سیاسی مبارزات امام سوم می‌باشد. به عبارتی مراسم محرم همواره تلفیقی از عزاداری سیاسی جهت آگاهی بخشی به مردم بوده است؛ چرا که ماهیت مبارزات امام حسین بر پایه آزادی و مبارزه با حکومت جائر قرار داشته است. بر این اساس، از آنجا که حکومت پهلوی فاقد مشروعیت سیاسی نزد مردم بود و از نظر مردم حکومتی ظالم محسوب می‌شد، مبارزه با آن واجب بود و گذشته از وجهه سیاسی، بعدی دینی نیز داشت.

از این رو ایام محرم فرصت خوبی جهت عمق بخشیدن به مبارزات مردم و رهبر انقلاب بود. چنانچه در قضایای مربوط به مدرسه فیضیه «امام خمینی برای این که خبر مدرسه فیضیه در تمام ایران کمانه کند، زنده بماند و در ذهن‌ها جای گیرد، دو ماه ذیحجه و ذی قعدة را به آماده کردن علما و مردم پرداخت تا در ماه محرم به آن چه هدف قرار داده بود، برسد. شروع کردند به نامه‌نگاری و تبادل معلومات و اطلاعات به صورت آشکار... و پنهان... نزدیک محرم که رسید ایشان برای شهرستان‌ها برنامه‌ای طرح کرد که عبارت بود از این که طلاب و فضالای اعزام شده به علما و منبری‌های شهرستان‌ها بگویند که از روز هفتم محرم اختصاص بدهند به مسئله فیضیه.»<sup>۱</sup> ایام محرم در سال ۵۷ از اهمیت بیشتری برخوردار شد؛ زیرا مبارزات مردم در این دهه به اوج خود رسید و

رژیم برای اولین بار با چالش فروپاشی سیاسی مواجه شد.

محرم ۵۷ و تأثیر آن بر مبارزات مردمی

محرم سال ۵۷ با آذر ماه آن سال یعنی اوج مبارزات مردمی و بحران سیاسی رژیم مصادف گردید. رژیم و نهادهای خارجی غرب که از اهمیت ایام محرم به خصوص روز تاسوعا و عاشورای حسینی باخبر بودند همواره از شاه درخواست اقدام عملی و فوری جهت سرکوب مبارزات تا قبل از آغاز محرم را داشتند. چنانچه در یک نمونه از اسناد وزارت خارجه آمریکا پیرامون این موضوع آمده است که «اگر شاه هر چه زودتر حرکت مهمی تا قبل از شروع ماه محرم - در تاریخ ۲ دسامبر - انجام ندهد، مطمئناً یک سری خشونت‌های جدی به دنبال خواهد آمد. ۱۰ محرم (۱ دسامبر) روز به خصوص با شکوهی برای مسلمانان ایرانی است.»<sup>۲</sup>

البته واهمه رژیم و غرب از این رویداد سیاسی و مذهبی کاملاً درست بود و تاسوعا و عاشورای ۵۷ به جای عزاداری به تجمع سیاسی بزرگی علیه رژیم تبدیل شد. بر این اساس «آیت‌الله طالقانی با نزدیک شدن تاسوعا و عاشورا همبستگی نیروهای مذهبی و ملی را به نمایش گذاشت. فرماندار نظامی تهران تظاهرات و راهپیمایی‌های سیاسی را منع کرده بود و اجتماعات عزاداری در مسجد و تکایا را اجازه می‌داد و مکرر اعلام می‌نمود که خرابکاران و اخلاک‌گران در کمین‌اند تا همه چیز را خونین سازند.»<sup>۳</sup> مردم معترض که عکس امام را در دست داشتند بر رهبری او و کناره‌گیری شاه از حکومت تأکید داشتند.

در این روز معترضان در قالب کمیته‌ای که مسئول برگزاری راهپیمایی تاسوعا و عاشورا بود قطعنامه‌ای سیاسی در ۱۷ بند علیه رژیم منتشر نمود. این قطعنامه انعکاسی از حال و هوای آن روزهای مردم و درخواست‌های سیاسی آنان بود. رژیم و ارتش سعی در کنترل اوضاع داشتند اما از همان روز آغاز محرم، بحران شدیدتر و عمیق‌تر شد. تبلور وضعیت آن روزهای ایران را می‌توان در آثار و مشاهدات نظاره‌گران خارجی به خوبی دید. چنانچه دزموند هارنی در کتاب خود با عنوان روحانی و شاه پیرامون محرم ۵۷ و تأثیر آن بر اعتراضات مردمی آورده است «بحران شدیدتر می‌شود. داستان‌های بی‌شماری رد و بدل می‌شود. خانه راننده من در یکی از پرآشوب‌ترین محلات قرار دارد. در ساعت ۱۵: ۱۰ شب (شب آغاز ماه محرم - ۱۱ آذر ماه ۱۳۵۷) مردم به بالای پشت بام‌ها آمدند و فریادهای دسته جمعی الله اکبر آغاز شد. هیاهوی بزرگی به پاخاست. باقی جوانان در خیابان‌ها می‌دویدند و فریاد می‌زدند: مرگ بر شاه، نیروهای نظامی به تظاهرکنندگان و خانه‌ها شلیک کردند. تیراندازی با شدت و ضعف تا ساعت سه و نیم صبح ادامه داشت.»<sup>۴</sup>

در طی ایام محرم، مردم با هدف قرار دادن شاه، بارها شعار "مرگ بر شاه" سر دادند که البته با واکنش نظامی رژیم همراه بود. بر این اساس طی تظاهراتی که در شهرهای مختلف از جمله تهران، تبریز، مشهد، اصفهان و سایر شهرها صورت گرفت تعدادی از مردم با شلیک مستقیم نظامیان کشته شدند. چنانچه گفته می‌شود در اصفهان با «تیراندازی از هلیکوپترها جمعی کشته شدند.»<sup>۵</sup> علیرغم کشته شدن صدها نفر از تظاهرکنندگان، دولت تعداد کشته شدگان را انگشت‌شمار ذکر کرد. «دولت می‌گوید هفت نفر کشته شده‌اند، اما گروه‌هایی از جوانان که کفش و پیراهن‌های خون‌آلود در دست دارند در خیابان‌ها می‌دوند و فریاد می‌زنند سه هزار نفر مرده‌اند، سه هزار نفر مرده‌اند، اینان می‌خواهند شهید شوند: بشورانند و آشوب به پا کنند.»<sup>۶</sup>

با توجه به این رویدادها، می‌توان گفت محرم ۵۷، تأثیر زیادی بر مبارزات مردمی داشت؛ گذشته از آنکه بار دیگر مخالفت مردم با اصل حکومت و برکناری شاه به فریاد درآمد، خواسته‌های آنان پیرامون رهبر و حکومت آینده نیز مطرح شد. به عبارتی «فرا رسیدن ماه محرم و اوجگیری تظاهرات علیه رژیم و راهپیمایی عاشورای سال ۵۷ به شاه فهماند که دیگر با سیاست وعده و فریب هم

نمی‌تواند از سقوط رژیم جلوگیری کند. مردم ایران در تظاهرات خود با شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، عملاً راه هرگونه سازشی را می‌بستند و کسانی را که هنوز به خاموش کردن آتش انقلاب امیدی داشتند، مأیوس می‌کردند.<sup>۷</sup>

#### فهرست منابع

۱. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم: زندگینامه‌ایت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای (۱۳۱۸-۱۳۵۷) تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰، ص ۶۵.
۲. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان پیروز خط امام، کتاب دوم، جلد‌های سیزدهم تا بیست و دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۴.
۳. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۴۰۲.
۴. دزموند هارنی، روحانی و شاه، ترجمه کاوه باسمنجی و کاووس باسمنجی، تهران، انتشارات کتاب‌سرا، ۱۳۷۷، صص ۱۴۸-۱۴۹.
۵. مدنی، همان، ص ۴۰۵.
۶. هارنی، همان، صص ۱۴۸-۱۴۹.
۷. موسی نجفی و موسی فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران بررسی مؤلفه‌های دین، تجدد و مدنیت در تأسیس دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱، ص ۵۲۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۸۶۵/محرّم-جایگاه/۵۷-انقلاب-اسلامی>